عوامل استحکام خانواده

فاطمه رضایی، حمیدی، بیک وردی

**چکیده**

ازدواج و تشکیل خانواده یک واقعیت طبیعی و فطری انسان است و بهترین پاسخ برای تمایلات فطری همان پاسخگویی به طور طبیعی است چون هر گونه اقدام و رشدی در سایه خانواده حاصل می شود باید انسان هر گونه حساسیتی را برای تشکیل خانواده از خود بروز دهد تا موجبات استحکام خانواده را حاصل نماید. هر شخصی باید قبل از ازدواج به مسائلی در مورد طرف مقابل خود توجه داشته باشد که از جمله آنها ایمان و دین داری، هماهنگی فکری و فرهنگی ، هم کفو بودن در جسم و جنس و موارد دیگر می باشد تا در سایه آنها زندگی مشترک را تشکیل دهند.

زن و شوهر وظایف مشترکی بر عهده دارند که برای بقای خانواده باید به آن عمل کنند عبارتند از: احترام و تکریم همسر، تقسیم کار و همدلی، محبت و اعلام آن، دوری از بدبینی و بدگمانی و ... . علاوه بر آن هر یک از زن و شوهر وظایفی فردی بر عهده دارند، که از جمله وظایف زن حفظ حجاب، اجازه از شوهر و کنار آمدن با درآمد و شغل شوهر می باشد و وظیفه مرد مسئولیت و اداره خانواده می باشد.

کلیدواژه : تعریف خانواده، ضرورت تشکیل خانواده، عوامل استحکام خانواده.

**مقدمه**

خانواده یکی از نظام های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی ، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع ، اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضاء پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است.

با این حال در عصر حاضر ، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش های اساسی شده. تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی مشکلات متعددی برای خانواده در اکثر جوامع پدید آورده است. همه این مشکلات، نشان می دهد که خانواده ها نیازمند توصیه های برای استحکام بنیان خود در این پیچیدگی ها است.

تعالیم اسلام در مورد نحوه روابط اعضای خانواده ظرایف رفتاری جالب توجهی در بر دارد که هر چند جزئی به نظر می رسد، ولی گاه در تحکیم پایه های خانواده نقش اساسی دارد.

**تعریف خانواده**

خانواده در لغت به معنای خاندان و دودمان و سلاله می باشد.[[1]](#endnote-1) در اصطلاح خانواده نظامی نیمه بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می کند و دارای اعضایی است که وضعیتها و مقامهای مختلفی را در خانواده و اجتماع احراز کرده و با توجه به محتوای نقش وضعیت ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تأیید جامعه ای است که خانواده جزء جدا نشدنی آن است ایفای نقش می کند.[[2]](#endnote-2)

**ضرورت تشکیل خانواده**

انسانها بدون این که اختیاری از خود داشته باشند، بر اساس تجهیزات درونی و طبیعی به سوی یکدیگر جذب می شوند، گویی دختر بدون پسر و پسر بدون دختر وجودشان ناقص است. اسلام هم بر همین کشش های طبیعی ، آن دو را برای ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب کرده است. ازدواج و تشکیل خانواده، یک واقعیت طبیعی و فطری انسان است. هر انسانی اگر همه نیازمندی های خود را برطرف کرده باشد ولی ازدواج نکرده باشد ، بدون تردید احساس کمبود خواهد کرد. افرادی که به ازدواج پشت می کنند ناخودآگاه با فطرت و طبیعت خود به جنگ برخاسته اند؛ در نتیجه چون بر خلاف فطرت حرکت می کنند به دشواری و مشکلات فراوانی برخورد خواهند کرد، زیرا تمایلات فطری به طور طبیعی باید ارضاء شوند و اگر منع و ممانعتی بوجود آید عامل پیدایش ناراحتی و تشویش خواهد بود.

پس بهترین پاسخ برای تمایلات فطری همان پاسخگویی به طور طبیعی است و در امر مسائل جنسی جز ازدواج کردن راهی به طور طبیعی وجود ندارد.[[3]](#endnote-3)

**عوامل استحکام خانواده**

**الف: قبل از ازدواج**

**1.ایمان و دین داری**

پایبندی به اصول آیین اسلام ، یکی از عوامل خوشبختی خانواده است. دختر و پسری که دیندار واقعی می باشند از انجام بسیاری از اعمال خلاف خودداری می کنند، زیرا پایبندی به دین آنان را از انجام اعمال حرام باز می دارد. دینداری عامل قوی و استواری است که در بسیاری از موارد انسان ها را از لغزش ها و ارتکاب اعمال خلاف باز می دارد و موجب استحکام خانواده می شود.[[4]](#endnote-4)

**2.سن**

سن در ازدواج از دو نظر دارای اهمیت است. یکی از نظر روانی و دیگری فیزیولوژی.

تفاوت سن دختر و پسر با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است.[[5]](#endnote-5)

**3.هماهنگی فرهنی و فکری**

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پویا و پربار ، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و نظرات خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل ، تصمیم مشترک و یکسان گرفته و بر مبنای آن عمل کنند و در فراز و نشیب های زندگی یاور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند.[[6]](#endnote-6)

**4.تناسب در زیبایی**

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در «زیبایی صورت و اندام» نیز لازم است. اگر یکی از آن دو «زیبا و خوش اندام» باشد و دیگری «زشت صورت و بد اندام» احتمال بوجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو، و عقده های روانی و «عقده محرومیت جنسی» و انحراف و بی عفتی و ... برای فرد زیبا، وجود دارد.[[7]](#endnote-7)

**5.تناسب خانوادگی**

ازدواج با یک فرد، مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل. خانواده دختر و پسر ، باید با هم «سنخیت و تناسب» داشته باشند و خانواده در زندگی زن و شوهر تأثیر می گذارد. و این فرد جزئی از خانواده است و بسیاری از صفات اخلاقی، روحی ، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل ، از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات، به این فرد منتقل شده است.[[8]](#endnote-8)

**6.هم کفو بودن در جسم و جنس**

نوع برداشت و فکری که دو طرف از امور جنسی دارند در دوام و استحکام پایه ای ازدواج نقش مهمی دارد. اگر روابط جنسی قانع کننده نباشد، منجر به احساس محرومیت ، ناکامی و عدم احساس ایمنی می گردد. توازن و تناسب جسمی و جنسی در زندگی همسران نقش بسیار مهمی دارد. اشباع و ارضای جنسی زن و شوهر از هم ، تأثیر عمیقی در موفقیت زندگی شان دارد. همان گونه که عدم اشباع و نارضایتی آنان، تأثیر مخرب و خطرناکی بر کل زندگی باقی می گذارد.

اگر یکدیگر را از این جهت اشباع کنند به وظایف خود عمل خواهند کرد و مشکلات زندگی را تحمل خواهند نمود. اگر یکی از دو همسر، از نظر جسمی و جنسی قوی و گرم مزاج و دیگری ضعیف و سردمزاج باشد. چه بسا در امور زندگی شان خلل وارد می شود و احتمال فساد و انحراف بسیار قوی است. این عدم توازن و تناسب به اعصاب و روان آنان نیز لطمه های سنگین وارد می کند.[[9]](#endnote-9)

**7.توانایی اداره زندگی**

انسان باید همراه با ایمان، توانایی لازم در جهت پیشبرد زندگی و به دوش کشیدن بارسنگین مسئولیت را داشته باشد. همسر بودن، مدیریت ویژه ای را می طلبد؛ زیرا هر دختر و پسری شایستگی همسر بودن را ندارد و یکی از ویژگی های مهم همسر، دارا بودن مدیریت لازم و توانایی خاص مربوطه است که بلوغ معرفتی، سلیقه ای، اخلاقی و اقتصادی خاصی را به همراه دارد. در حدیث آمده است: «الکفو ان یکون عفیفا و عنده میسار؛ همسر باید هم شأن آدمی باشد پارسایی و توانایی لازم گذران زندگی را دارا باشد».[[10]](#endnote-10)

**ب: وظایف مشترک زن و شوهر در استحکام خانواده**

**1.دین داری زن و شوهر**

آثار متدین بودن انسان در عمل او آشکار می شود. زن متدین به همان اندازه که در فکر و عقیده با شوهر متدین هماهنگ است در عمل نیز در کنار او قرار دارد. هماهنگی در التزام به دستورات دینی هم چون حجاب، پرهیز از معاشرت های آلوده ، خودداری از مصرف مال حرام ، تعهد به رعایت اخلاق اسلامی، انجام عبادات دینی و ده ها مورد دیگر که در زندگی پیش می آید از هماهنگی زن و شوهر حکایت می کند.

این تفاهم زیاد ناشی از ایمان و تقوای آنهاست. اما اگر زن و شوهر از نظر عقیده و دینداری در دو قطب مخالف قرار داشته باشند از کوچکترین مسایل زندگی تا مهمترین آن دچار کشمکش خواهند شد که همگی این مشکلات از عدم رعایت معیار دین داری در گزینش همسر ناشی می شود.[[11]](#endnote-11)

**2.احترام و تکریم همسر**

انسانی که تاج «کرمنا» بر سر نهاده بدون تکریم و حرمت نهادن به هم جنس خود به ویژه در محیط خانواده این تاج را حفظ کند. کرامت انسانی کالایی نیست که هر کس بتواند آن را بدست آورد. آدمی علاوه بر کرامت باطنی نیازمند تکریم دیگران نیز می باشد؛ به ویژه کسی که شریک زندگی اوست و می خواهد یک عمر با او در زیر یک سقف زندگی کند.[[12]](#endnote-12)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) همسرش علی (علیه السلام) را انسانی با ویژگی های نیکوی بی شماری می دانست[[13]](#endnote-13)که می تواند بیانگر نهایت احترام وی باشد. ایشان علی (علیه السلام) را این گونه معرفی می کند: بهترین جانشین پیامبر[[14]](#endnote-14)، تلاش گر، پر توان و با ایمان[[15]](#endnote-15)، بهترین شوهر و ....[[16]](#endnote-16)

با چنین نگاه شیدایی نسبت به همه پرواضح است که بین آن دو بزرگوار چه رحمت و مودتی گسترده و فوق العاده باید وجود داشته باشد.

در مقابل مولای متقیان نیز در وقت به خاک سپردن فاطمه (سلام الله علیها) رسول خدا را مخاطب ساخت و از رنج فقدان همسری چون حضرت زهرا (سلام الله علیها)شکوه و شکایت داشت.

در این گفتار به خوبی می توان به مقام فاطمه (سلام الله علیها) پی برد؛ این چنین فرمود: درود بر تو ای فرستاده خدا ... مرگ دختر گرامی ات عنان شکیبایی از کفم ربوده و توان خویشتن داری ام نمانده ... کار همیشگی ام اندوه است و شب هایم شب زنده داری تا آن که خدا خانه ای را که تو در آن به سر می بری برایم برگزیند.[[17]](#endnote-17)

**3.تقسیم کار، همدلی**

حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه که سالک معنویت و صمیمیت بودند در روابط خانوادگی همدل و کوشا بودند. تقسیم کار که در زندگی این بزرگواران به چشم می خورد، حاکی از همکاری آنان برای نظم در امور خانواده است. پس از ازدواج آن بزرگواران هنگامی که پیامبر اکرم انجام کارهای خانه را به عهده فاطمه و امور خارج از منزل را به دوش علی (علیه السلام) نهادند، فاطمه (سلام الله علیها)در این باره فرمود: هیچ کس جز خدا نمی داند که من چقدر خوشحال شدم از این که رسول خدا کارهای بیرون از خانه را بر عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد.[[18]](#endnote-18)

این تقسیم کار که حاکی از توجه به ضرورت های ساختاری زن و مرد و هم چنین مسئولیت خطیر تربیت فرزند است. مایه خرسندی و شادمانی زهرا (سلام الله علیها) شد. به هر حال آن روزگار چنین اقتضا داشت و آنان به تناسب اوضاع و احوال به گونه ای همکاری داشته اند که موجب آزار یکدیگر نشوند. آن چه باید بدان توجه داشت توافق همسران جوان در تقسیم کار است؛ همدلی، به طور غالب نوعی از همکاری را در رابطه خانواده به وجود می آورد که تأمین کننده نیازها و خواسته های دوسویه می باشد.[[19]](#endnote-19)

**4.محبت و اعلام آن**

اهل محبت و علاقه و عشق را ، حضرت حق در قلب زن و شوهر نسبت به یکدیگر قرار داده ، و آن را از نشانه های وجود خود دانست، و این حقیقت نمایشگر عظمت و بزرگی مسئله محبت زن و مرد است. این محبت و عشق و علاقه در ابتدای ازدواج، و حتی قبل از عقد، شکوفا می شود، و به نهایت می رسد. بر زن و مرد است که این نعمت باطنی و این حالت عالی قلبی که موجب خوشی در زندگی و صفا و پاکی است، توسط ، عفو و گذشت ، خوش اخلاقی و حفظ شخصیت و شئون طرفین حفظ کنند و از عللی که باعث ضربه خوردن به عشق و محبت است بپرهیزند، که حفظ بنای خانواده عبادت، و خراب کردن آن گناه و معصیت است.[[20]](#endnote-20)

**5.تغافل(خود به فراموشی زدن)**

از صفات بسیار پسندیده و والا، که کمتر کسی به آن آراسته است، صفت تغافل می باشد.

دیدن خطا و تقصیر، مشاهده عیب و نقص، و خود را به فراموشی زدن، به شکلی که طرف مقابل یقین کند، انسان از مسئله به هیچ عنوان مطلع و آگاه نشد، از عالی ترین حالات روحی و صفات انسانی است. این نهایت بزرگواری است که مرد و زن از یکدیگر خطایی ببینند و خود را در کمال جوانمردی ، عمداً به فراموشی بزنند و این تغافل (خود را به فراموشی زدن) را در تمام پیش آمدهای آینده حفظ کنند.

این امر برای زن و شوهر امری لازم و ضروری است و با این گونه صفات پسندیده و اخلاق حمیده زندگی همراه با لذت و خوشی برقرار و اعصاب در آرامش کامل و جسم و جان در مصونیت همه جانبه در مقابل هجوم بسیاری از امراض و بیماری هاست.[[21]](#endnote-21)

**6.دوری از بدبینی و بدگمانی**

کانون خانواده از ابتدای تشکیل با بحرانهای متعددی مواجه است که هر کدام می تواند به نوعی محیط عاطفی خانواده را دچار تزلزل کند. یکی از نیازمندیهای روح و شوهر، اعتماد و اطمینان به یکدیگر است. و یکی از عواملی که محیط عاطفی نامطلوب را به وجود می آورد بدبینی است.

سوء ظن یکی از همان بحرانهایی است که در زندگی زن و شوهر آرامش و اطمینان را تحت تأثیر قرار می دهد.

بدبینی قوه تعقل و منطق و قضاوت انسان را دچار ضعف می کند. زن یا مردی که به همسر خود بدگمان شد؛ امکان دارد دست به اعمالی بزند که برای یک فرد عاقل تعجب آور جلوه کند.[[22]](#endnote-22)

آرزوی هر مرد و زنی این است که همسر ایده آلی پیدا کند که از تمام عیوب و نواقص خالی بوده نقطه ضعفی نداشته باشد. لیکن کمتر اتفاق می افتد که به مطلوب خویش دست یابد. کسانی که در صدد عیب جویی باشند خواه نا خواه عیب یا عیب هایی را در همسرشان پیدا می کنند و یک عیب کوچک و بی اهمیت را که نباید آن را عیب شمرد در نظر خودشان مجسم می سازند و آن قدر درباره اش فکر می کنند که کم کم به صورت یک عیب بزرگ و غیر قابل تحمل جلوه گر می شود ، خوبی های همسر را نادیده گرفته و همیشه به آن عیب کوچک توجه دارند.

ممکن است همسر عاقل و بردبار باشد و در مقابل بی ادبی های او سکوت کند لیکن قلباً مکدر می شود، کینه اش را در دل می گیرد، بالاخره کاسه صبرش لبریز می شود و در صدد انتقام بر می آید، یا به زد و خورد می کشد یا مقابل به مثل می کند ، او هم درصدد بر می آید از همسرش که به طور حتم بی عیب نیست عیبجویی کند و محبت بینشان از بین می رود، کینه یکدیگر را در دل می گیرند، دائماً درصدد عیبجویی هستند، پیوسته جنگ و جدال دارند. ممکن است یکی از آنها یا هر دو به مرور زمان بر اثر فشارها به طلاق متوسل شوند.[[23]](#endnote-23)

**7.آراستگی در برابر همسر**

میل به خودآرایی در انسان که در سنین بلوغ به اوج خود می رسد از جمله کشش هایی است که عامل رشد و تعالی روحی، فکری و اخلاقی انسان بوده، حکایت از اجتماعی بودن می کند. خودآرایی معتدل و مورد قبول اسلام سبب پاکی، طهارت، سلامی جامعه، استحکام بنیاد خانواده و تحبیب قلوب و جلب محبت دیگران می شود.

خودآرایی و زینت کردن نه فقط آثار مثبت روحی و روانی بر دیگران داشته و موجب رضایت روحی آنها می شود، بلکه اثرات مثبتی نیز در خود فرد ایجاد می کند.[[24]](#endnote-24)

امیرالمومنین (علیه السلام) خودآرایی و آراستگی را از جمله نشانه ها و ویژگی های اخلاقی مومنان خوانده و فرموده است: «الجمل من اخلاق المومنین؛ خودآرایی از اخلاق مومنین است».[[25]](#endnote-25)

آرایش و پیرایش برای زن و مرد در کانون خانواده، در پیوستگی و استحکام نظام خانه مؤثر است و عدم توجه به آن موجب رواج فساد و بی عفتی در محیط اجتماع می شود. همان طور که زن در اسلام به علت کوتاهی در خودآرایی و زینت برای شوهر مورد نکوهش قرار گرفته ، مرد نیز در صورت اهمال در آرایش و نظافت مورد ملامت واقع شده است.

حسن بن جهم می گوید: «بر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) وارد شدم، دیدم خضاب فرموده است. گفتم رنگ مشکی به کار برده اید؟ فرمود: بلی، خضاب و آرایش در مرد سبب افزایش پاکدامنی در همسر اوست. برخی از زنان به این جهت که شوهرانشان خود را نمی آرایند عفاف را از دست می دهند».[[26]](#endnote-26)

**8.سکوت در هنگام عصبانیت**

انسان گاهی در اثر عواملی عصبانی و خشمناک می شود و اگر این عصبانیت ، با عصبانیت طرف دیگر برخورد کند شدیدتر می شود. اگر هر کدام از مرد و یا زن ببینند همسرش در مقابل عصبانیت او ساکت است طبعاً وجدان او بیدار شده وی را وادار به ندامت و پشیمانی می کند و سکوت همسرش را یک نوع فداکاری و ادب به حساب می آورد چون با خود فکر می کند با این که همسرم می توانست در قبال این تحقیرهایم عکس العمل از خود نشان دهد اما سکوت اختیار کرد پس معلوم می شود به زندگی اش علاقمند است.[[27]](#endnote-27)

**ج: وظایف زن**

**1.رعایت حجاب**

اسلام در ملزم نمودن حجاب چندین هدف مهم طبیعی و اجتماعی در نظر دارد.

نخست آنکه می خواهد با یک روش منطقی جلو ظهور عوامل تحریک کننده غریزه شهوت را بگیرد. دوم آنکه می خواهد جلو اشاعه فساد و فحشا را در جامعه از بین ببرد.

سوم آن است که می خواهد اساس خانواده ها که عامل اصلی تشکیل دهنده جامعه سعادتمند است متلاشی نشود، بدین معنا اسلام می گوید وقتی مرد زنی را برای زندگی زناشویی انتخاب می کند (و یا زنی، مردی را برای زندگی انتخاب می کند) باید چشم از دیگران بپوشد؛ چون تنها با رعایت این اصل است که مرد شوهر خوب برای زنش و پدری مهربان برای فرزندانش و یا زن مادری دلسوز برای فرزندان و همسری شایسته برای شوهرش می باشد.

بنابراین رعایت حجاب نه تنها زن را در امنیت قرار می دهد بلکه موجب استحکام بنیان خانواده نیز می شود.[[28]](#endnote-28)

**2.اجازه از شوهر موجب حفظ سلامت اجتماع**

قرآن کریم می فرماید: «**و قرن فی بیوتکن**... ؛ ای زنان پاکیزه در خانه های خود آرام گیرید».[[29]](#endnote-29)

بهترین و با ارزش ترین وظایف یک بانو مومنه که موجب صیانت و حفظ سلامت اجتماع و استحکام بنیان خانواده می شود، آن است که زن بدون اجازه شوهر هرگز از محیط امن و پاکیزه منزل بیرون نرود، با آن که اسلام طبق دستور حجاب در صورتی که زن ناگزیر از ورود به اجتماع باشد، با اجازه شوهر هرگز آن را منع نکرده است، اما اگر در خانه باشد و از تباهی دین و دنیای خود و با گوشه نشینی محفوظ بماند، جامعه و خانواده را از تباهی نجات داده است.[[30]](#endnote-30)

حضرت باقر(علیه السلام) می فرماید:

«زنی خدمت پیامبر آمده و عرض کرد: ای رسول خدا ! حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت (در ضمن بیان حقوق شوهر) فرمودند: (یکی از حقوق شوهر آن است که) بدون اجازه او از خانه همسرش خارج نشود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت تا زمانی که به خانه اش برگردد بر او لعن می کنند».[[31]](#endnote-31)

**3.نداشتن توقعات بی جا از شوهر**

4**. هنگام گرفتاری و مشکلات شوهر را دلداری داده و او را برای مقاومت در برابر مشکلات تشویق کند.**

**5.سرپرستی و مدیریت او را نسبت به خانه بپذیرد، اگر چه از لحاظ معلومات و شخصیت بالاتعر از او باشد.**

**6. در پیشرفت و ترقی شوهر کمک کند.**

**7.کنار آمدن با در آمد و شغل شوهر.**

**8. اسرار شوهر را به کسی ابراز نکند، اگر چه آن کس پدر، مادر ، برادر و خواهر همسر باشد.**

**9. آراسته بودن برای شوهر .**

**10.احترام گذاردن به شوهر در محیط خانه و اجتماع.[[32]](#endnote-32)**

**د: وظایف مرد**

**مرد مسئول خانواده**

مسئولیت های خانوادگی بسیار و انجام دادن آن مشکل است. اداره امور خانواده رعایت حد اعتدال ، عاطفه، علم و سیاست، عقل اجتماعی می خواهد.

مرد باید بر پایه روش صحیح و تعادل اخلاقی به گونه ای امور منزل را تدبیر کند که بر دل ها حکومت داشته باشد و از استبداد بپرهیزد، و با سلوک خویش همواره کانون خانواده را گرم و با معنویت نگه دارد. انجام این وظیفه مهم پیوند معنوی افراد خانواده را نیز محکم و آنان را پشتیبانی و مددکار یکدیگر می کند.[[33]](#endnote-33)

**پی نوشت**

1. غفاری، امیر جلال الدین، فرهنگ غفاری(فارسی به فرانسه)، تهران: دانشگاه تهران، 1336، ج2، ص853 [↑](#endnote-ref-1)
2. .مهابادی راد، ناهید و سمیر یحاری، روانشانسی ازدواج، به نقل از کتاب تئوری رشد خانواده، راجرز ترجمه سوسن سیف، تهران: حافظ، 1371، ص85 [↑](#endnote-ref-2)
3. .فضل الله، محمد حسین، شیوه همسرداری، ترجمه لطیف راشدی، بی جا: پیام آزادی، 1373، ص8 [↑](#endnote-ref-3)
4. .صادق کوهستانی، عطیه، جوان و ازدواج؛ قم: نسیم حیات، 1378، ص54 [↑](#endnote-ref-4)
5. .همان، ص53 [↑](#endnote-ref-5)
6. .مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم: پارسیان، 1380، ص136 [↑](#endnote-ref-6)
7. .همان، ص142 [↑](#endnote-ref-7)
8. .همان، ص143 [↑](#endnote-ref-8)
9. .صادق کوهستانی، عطیه، همان، ص41 [↑](#endnote-ref-9)
10. .شفیعی، محمد، راز خوشبختی، قم: مشهورا، 1380، ص58 [↑](#endnote-ref-10)
11. .ملا احمد، محسن، ازدواج و تربیت انسان قبل از تولد، قم: شاکر، 1382، ص66 [↑](#endnote-ref-11)
12. .شاکری، صدیقه، مقاله احیای ارزش های دینی و نقش آن در استحکام خانواده، مجله نامه جامعه، شماره 62، ص65 [↑](#endnote-ref-12)
13. .مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، بی تا، ج82، ص196 [↑](#endnote-ref-13)
14. .همان، ج36، ص353 [↑](#endnote-ref-14)
15. . شاکری، صدیقه، همان به نقل از معانی الاخبار، ص354 [↑](#endnote-ref-15)
16. . مجلسی، محمد باقر، همان، ج43، ص133 [↑](#endnote-ref-16)
17. .نهج البلاغه، گردآورنده: سید رضی، مترجم: مصطفی زمانی، قم : پیام اسلام، 1362، خطبه 202 [↑](#endnote-ref-17)
18. .کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: اسوه، 1386، ج5، ص86 [↑](#endnote-ref-18)
19. . شاکری، صدیقه، همان، ص66 [↑](#endnote-ref-19)
20. .انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: ام ابیها، 1375، ص236 [↑](#endnote-ref-20)
21. .همان، ص247 [↑](#endnote-ref-21)
22. .حسینیا، احمد، بهداشت روانی ازدواج و همسرداری، تهران: مفید، 1380، ص215 [↑](#endnote-ref-22)
23. .امینی، ابراهیم، آیین همسرداری یا اخلاق خانواده، تهران: صاحب کوثر، 1381، ص54 [↑](#endnote-ref-23)
24. .احسانی، آمنه، مقاله آراستگی و خودآرایی از دیدگاه اسلام، فصلنامه هدی، فصل چهارم، شماره 10، 1388، ص82 [↑](#endnote-ref-24)
25. .احسانی، آمنه ، همان، به نقل از غررالحکم شیخ السلام،ج 2،ص135 [↑](#endnote-ref-25)
26. .حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بی جا، آل بیت ، بی تا، ج14، ص183 [↑](#endnote-ref-26)
27. .کاظمی خلخالی، زین العابدین، زناشویی راز خوشبختی، بی جا، محمد، 1381، ص255 [↑](#endnote-ref-27)
28. .همان، ص236 [↑](#endnote-ref-28)
29. .سوره احزاب، آیه 33 [↑](#endnote-ref-29)
30. .احمدی، حسن، زن در پیشگاه ولایت، قم: طوبای محبت، 1384، ص183 [↑](#endnote-ref-30)
31. . حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج20، ص158 [↑](#endnote-ref-31)
32. . کاظمی خلخالی، زین العابدین، زناشویی راز خوشبختی، ص281 [↑](#endnote-ref-32)
33. .مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، قم: شفق، 1372، ص24 [↑](#endnote-ref-33)